

## ۱۶ زندگی ایران جامجم

### تکمیلی

## باید دوباره متحد شویم

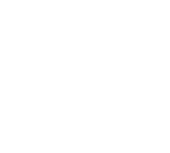
توی مهدیه ایستاده بود و دلش آن پایین، کنار مزار سردار بود. بانویی میانسال که ۷ صبح رسیده بود کرمان و یکسره آمده بود گلزار شهدا. پیشتر در تشییع پیکرسردار در قم و تهران شرکت کرده بود، اما باز دلش آرام نشده بود و باید می‌آمد کرمان. می‌گفت سرصبی سرمزار کمی خلوت بود و توانستم یک دل سیر زیارت کنم... دل و جانش او را کشانده بود کرمان، همان‌طور که پسرانش را که با پیکر سردار آمده بودند کرمان و حالا هم در روستای قنات ملک بودند.

غمش مثل همه سوگواران اینجا آمیخته با خشم بود. می‌گفت آمریکا فکر می‌کند ابرقدرت است، وگرنه سردار ما را به این نحو و ناجوانمردانه شهید نمی‌کرد و نگران بود و می‌گفت حاج قاسم و یک تعداد اندک دیگر کشور ما را نگه داشتند و حفظ کردند از شیخون دشمن و مردم به آنها اعتماد داشتند و این مهم بود.

نظرش را درباره موشکباران پایگاه‌های آمریکایی توسط ایران می‌پرسم و می‌گوید: عالی بود، اما خیلی کم است و انتقام باید سخت‌تر از این باشد، همان‌طور که سیدحسن نصرالله گفت ترامپ و کل ارتش‌اش اگر تار و مار هم بشوند باز جبران کفش سردار ما هم نمی‌شود. ما باید دوباره اقتدار و اتحاد دوران اول انقلابمان را به دست بیاوریم. متاسفانه اختلافات داخلی ما دشمنانمان را جسور و پررو کرده، اما اگر ترامپ کوتاه آمد و پیام صلح داد به این خاطر بود که فهمید ایران دیگر ایران قدیم و دست‌خالی و بی‌پناه نیست. بیشتر از آن‌که از تجهیزاتمان بترسد، از اراده و ایمانمان ترسید که اگر وحدت هم به آن اضافه شود، دیگر هیچ قدرتی و دشمنی حریف ما نمی‌شود.



**عکس:**  
فاطمه مراد زاده جام‌جم



**فردا دوشنبه**  
**هفتم شهید قاسم سلیمانی و پایان شبانه‌روز عزاداری برای او در گلزار شهدای کرمان**  
است

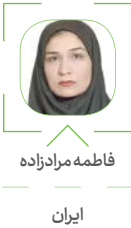
### جهان یکصدا پاسبان میراث‌فرهنگی ایران

چهارم ژانویه، ۱۴ دی ماه بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در یک رشته‌توییت تهدید جدیدی را متوجه کشورمان کرد؛ تهدیدی که این بار ۵۳ اثر و المان فرهنگی و تاریخی کشورمان را نشانه گرفته بود. بازخوردهای منفی این توییت نابخردانه اما همچنان در جهان ادامه دارد و روزنامه‌ها و رسانه‌های

# این داغ التیام ندارد

## به میان انبوه سوگواران سردار سلیمانی در گلزار شهدای کرمان رفتیم که می‌گویند دل‌شان جز با خروج آمریکایی‌ها از خاورمیانه آرام نمی‌شود

ده‌روز از زمان عروج آسمانی‌ات، از آن نیمه‌شب سرخ و سهمگین، از آن انفجار تاریخ‌سازی می‌گذرد و پنج روز از خاکسپاری پیکر «ارباب‌الایت» در دل خاک گرم گلزار شهدای کرمان... اما برای سوگواران دلسوخته‌ای که اینجا سرمزار توییت‌وته کرده‌اند، ه‌رشب و صبح، روزها که نه، سال‌ها گذشته است انگار این‌را می‌شود از توی چهره‌مات و میهو‌تشان فهمید، از بغض‌هایی که نای بیرون آمدن و ترکیدن ندارند و گریه نشده، ناله می‌شوند و می‌دوند سر سنگ سیاه و ساده مزارت. یک‌ساعت اینجا باشی می‌توانی حال جهانی که اینجا سرمزارت گردآمده را بفهمی، اما اگر مثل من چندشبهانه روز اینجا بیتوته کرده باشی، (از وقتی مزارت گودالی بود خالی و منتظر پیکر سوخته و نازنینت تا همین حالا که تو راسفت در آغوش گرفته‌ت دیگر تنها و بی‌محابا سر به بیابان پراشوب و پر دشمن نگذاری)، می‌توانستی ببینی که دیگر اینجا یک گلزار شهدای معمولی نیست؛ اینجا حالا شده یک زیارت‌گاه؛ زیارت‌گاهی که برای زیارتش مردم، زن و مرد و پیر و جوان و کودک از سراسر ایران، از گیلان، مازندران، کردستان، تهران، مشهد، یزد، فارس و... خود را به آن رسانده‌اند و برای این‌که خاک کویت را توتیای چشم کنند، در صف‌های طولانی صبح تا به شب، شب تا صبح به انتظار می‌ایستند تا خود را به سنگ ساده مزارت برسانند و به آغوش تو بیفتند. گوئی می‌خواهند جبران تمام لحظه‌هایی را بکنند که دور از تو سرگرم زندگی بودند و تو را تنها به رودررویی با دشمن خونخوارشان فرستاده بودند و وقتی به خود آمدند که دیگر تو نبودی، این‌را می‌شود از توی چشم‌انشان، از عمق نگاهشان، از گفته‌ها و دردل‌هایشان با تو سرمزارت فهمید؛ این‌که بعد تو احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کنند، این‌که دیگر کسی جای‌ت را پر نمی‌کند، این‌که هرچقدر موشک بر سر پایگاه‌های دشمنانت در سراسر خاورمیانه بریزند، دلشان آرام نمی‌شود، اصلا مثل رهبرشان به کمتر از خروج خفت‌بار آنها از منطقه و نابودی‌شان راضی نیستند، این‌ها را می‌شود از نگاه‌همه آنها که گنج و مات و میه‌وت در گلزار شهدای کرمان راه می‌روند، در صف دعای خوانند و از پشت پنجره‌های مهدیه جسیپیده به مزارت، به عکس گلباران شده تو خیره شده‌اند، در یافت؛ حتی از ناله‌ها و فریادهای بی‌امان پیرمردی که بر سر و صورت می‌زند و التماس می‌کند بلند شوی و از مهمانان سرمزارت بپیری کنی... اینجا هیچ کس باور ندارد تو رفتی، همین قدر می‌دانند که از این پس مزارت، پناه و تکیه‌گاه و مسجدشان شده... می‌دانند از این پس دلشان اینجاست و فکر و ذهن و قوت و حمیت‌شان توی مسیری که به گرفتن انتقام خون تو ختم می‌شود. اینجا سر مزارت، جهانی عاشق، دلسوخته، سوگوار و منتقم و مثل خودت عاشق شهادت این روزها گرد هم آمده‌اند...



ایران

طولانی صبح تا به شب، شب تا صبح به انتظار می‌ایستند تا خود را به سنگ ساده مزارت برسانند و به آغوش تو بیفتند. گوئی می‌خواهند جبران تمام لحظه‌هایی را بکنند که دور از تو سرگرم زندگی بودند و تو را تنها به رودررویی با دشمن خونخوارشان فرستاده بودند و وقتی به خود آمدند که دیگر تو نبودی، این‌را می‌شود از توی چشم‌انشان، از عمق نگاهشان، از گفته‌ها و دردل‌هایشان با تو سرمزارت فهمید؛ این‌که بعد تو احساس تنهایی و بی‌پناهی می‌کنند، این‌که دیگر کسی جای‌ت را پر نمی‌کند، این‌که هرچقدر موشک بر سر پایگاه‌های دشمنانت در سراسر خاورمیانه بریزند، دلشان آرام نمی‌شود، اصلا مثل رهبرشان به کمتر از خروج خفت‌بار آنها از منطقه و نابودی‌شان راضی نیستند، این‌ها را می‌شود از نگاه‌همه آنها که گنج و مات و میه‌وت در گلزار شهدای کرمان راه می‌روند، در صف دعای خوانند و از پشت پنجره‌های مهدیه جسیپیده به مزارت، به عکس گلباران شده تو خیره شده‌اند، در یافت؛ حتی از ناله‌ها و فریادهای بی‌امان پیرمردی که بر سر و صورت می‌زند و التماس می‌کند بلند شوی و از مهمانان سرمزارت بپیری کنی... اینجا هیچ کس باور ندارد تو رفتی، همین قدر می‌دانند که از این پس مزارت، پناه و تکیه‌گاه و مسجدشان شده... می‌دانند از این پس دلشان اینجاست و فکر و ذهن و قوت و حمیت‌شان توی مسیری که به گرفتن انتقام خون تو ختم می‌شود. اینجا سر مزارت، جهانی عاشق، دلسوخته، سوگوار و منتقم و مثل خودت عاشق شهادت این روزها گرد هم آمده‌اند...

### خودشان نروند، افقی خواهند رفت

صانعی پورا سال‌تا کرمانی است و ساکن کرج. امروز چهل‌م مادرش در شهر کرمان است، اما پیش از آن‌که به خانه و مراسم مادر برود، راه به راه از کرج خود را رسانده به گلزار، سرمزار و هنگام فاتحه خوانی او را می‌بینم. می‌گوید حتما مادر هم راضی است که اول آمده ما زیارت سردار و مگر نه این‌که ما همه چیزمان حتی امنیت و آرامش فرزندانمان را مدیون رشادت‌های سردار هستیم. وقتی صحبت انتقام گیری می‌شود، با صلابت می‌گوید باید تک تک آمریکایی‌ها از این منطقه بروند، خودشان نروند، افقی می‌روند و این را سه بار تکرار می‌کند: «ترامپ هم مجبور است کوتاه بیاید و پیشنهاد صلح بدهد، چون حالا دیگر ما یک ابرقدرتیم در جهان چه از نظر زمینی، چه دریایی و هوایی و آمریکایی‌ها خودشان هم این را نفهمیده‌اند و می‌گویند نمی‌توان با ایران مثل سوریه و عراق درافتاد.»

### دوره بز ن در رو تمام شده

نزدیک طومار بزرگ و سفید پارچه‌ای ایستاده بود تا با نوشتن یک دستخط، حضورش را در گلزار شهدای کرمان ماندگار کند. اهل قروه کردستان بود و عضو هیات رئیسه شورای شهر قروه. وحید رضایی از صبح سه‌شنبه و برای تشییع، خود را به کرمان رسانده و تا همین حالا دلش در کرمان ماندگارش کرده بود. اصلا از همان صبح روز جمعه که برای نماز بیدار شده و خبر را در فضای مجازی دیده و باور نکرده و به گفته خودش یک روز کامل هنگ کرده بود، هوایی سردار شده بود: «حاج قاسم توی دل ماست و به خاطر جهاد و مقاومتش به گردن تمام مردم دنیا حق دارد. ما باید انتقامش را بگیریم، اگر نگیریم دوباره ما را می‌زنند. کار بچه‌های سپاه ثابت کرد ایران قدرتمندترین کشور در تمام جهان است، چون هیچ کس شهامت زدن آمریکا را نداشت و ایران برای اولین بار این کار را کرد. تازه این موشکباران که بود و اگر سر تمام سران آمریکایی را یکی یکی بزنند باز جبران یک قطره خون حاجی نمی‌شود.»

جوان کردستانی در واکنش به پیام دوستی و صلح‌خواهی ترامپ هم می‌گوید: حالا البته ترامپ هم فهمیده ایران کشوری نیست که برایش رجزخوانی کند و اگر ایران را بزنند، ایران هم او را می‌زند، چون به قول آقا دوره بز ن در دیوگر تمام شده و یکی بزنند، صدتا می‌خورند، ما هم که نزنیم، همه‌جا مقاومت در لبنان و فلسطین و... آنها را آن قدر می‌زنند تا گورشان را از خاورمیانه گم کند. چه جوان کردستانی این همه راه آمده بود گلزار شهدای کرمان تا هم کنار سردارش باشد و هم از او شهادت را بخواهد: «سرمزارش همین را خواستم. خواستم شفاعت کند که شهادت برای دفاع از این سرزمین و مردمانش نصیب من هم بشود.»

### خسرانی که جبران نمی‌شود

خودش را یک بسیجی معرفی می‌کند و می‌گوید لحظاتی پس از شهادت خبرش را شنیده... کرمانی است و همشهری سردار؛ اهل رابر. سردار را بارها از نزدیک دیده بود: «عاشق این سرزمین و مردمانش بود. مهم‌ترین خصلت سردار خلوص نیت و مهریانی‌اش با کودکان و توجه‌اش به مردم بود. این مردم بودن آن قدر زیاد بود که هیچ‌گاه حاضر نبود برای امنیت و حفاظت جان خودش، مردم را در دیدارهای مردمی که کم هم نبود، بازجویی و اذیت کنند و بارها پیش آمده بود محافظانش را برای این مساله عتاب و سرزنش کرده بود.»

او هم صبح خاکسپاری در گلزار و سر مزار بود؛ مثل بقیه بسیجی‌ها و سپاهیان دلسوخته کرمان که خود را برای تدفین رسانده بودند، اما دلشان نمی‌آمد سردارشان را به آغوش خاک بسپارند: «دلمان نمی‌آمد به خاک بسپاریمش چون غمش سنگین بود و می‌دانیم جایگزین دیگری ندارد و رفتن‌اش یک خسران بزرگ است که دیگر کسی را نداریم که این‌طور عاشق مردم این سرزمین باشد و برای حفاظت از آنها جانش را کف دستش بگیرد. قصه سردار در کل تاریخ ما استثنا بود و باید داستانش هم ماندگار شود و مادران در گوش فرزندانشان آن را لایبی کنند و حکایتش درس همه کتاب‌های ما بشود.»

دادن سایت‌های فرهنگی ایران فاصله می‌گیرد. نیویورک تایمز عنوان کرد: دونالد ترامپ با تکرار تهدیدهای خود برای نابود کردن گنجینه‌های هنری و معماری ایران، ایالات متحده را در زمره داعش و طالبان قرار داده است. این واکنش‌ها همچنان از سوی رسانه‌ها و نهادهای جهانی ادامه دارد. / جام‌جم دیلی



### صلح بین فرشته و شیطان امکان پذیر نیست

اینجا در صف زیارت سردار، مردم همان قدر که بغضشان آماده ترکیدن است و این آمادگی هرچه به مزار نزدیک‌تر می‌شوند، بیشتر می‌شود، آماده بیرون ریختن خوشه‌های خشمشان علیه دشمن هم هستند. برای همین راحت وارد گفت‌وگو می‌شوند شاید صدایشان از کنار کوه‌های الزمان به آن سر دنیا به گوش ترامپ برسد؛ مثل همین بانوی میانسال تهرانی که بعد از حضور در تشییع تهران سریع به کرمان آمده و وقتی کسی مثل سردار هم این‌طور به اهل بیت و مولا متصل می‌شود، و صلابتش کم از یک استاد دانشگاه انقلابی نیست. از انگیزه‌اش برای آمدن به کرمان می‌پرسم و می‌گوید هرچه تابه حال گفته عبارت‌الکتی است که نمی‌تواند نشان‌دهنده انگیزه و شور و غوغای نهفته در دل مردم باشد و نمی‌تواند بگوید در دل مردم این سرزمین چه می‌گذرد: «سردار بالاتشبیه مثل امام حسین شده است. وقتی به زیارت مولا امام حسین در کربلا می‌رویم، برای رسیدن به صریح باید توی صف بایستیم و وقتی کسی مثل سردار هم این‌طور به اهل بیت و مولا متصل می‌شود، می‌بینیم مردم برای زیارتش توی صف می‌ایستند. اصلا همین اتصال به اهل بیت و ذوب شدن در آنها باعث همین عزتش شده.»

این بانوی تهرانی هم به اندازه سوگواریش، خشمگین است و خروشان، آنجا که درباره انتقام‌گیری از آمریکایی‌ها می‌گوید هیچ انتقام متناسبی وجود ندارد: «اگر تمام آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌های متجاوز، یک‌باره زنده زنده در آتش بسوزند، جبران خاک سرخ کف پوتین و حید زمانیان ۲۷ ساله‌کسی مثل سردار بود، نخواهد شد. این مقدار هم که انجام شد، یک تسلی کوچک بود و به قول رهبرمان یک سیلی. اصلا این از آن داغ‌هایی است که التیام ندارد. از جنس داغ اباعبدالله... است و به گمان من هنوز داغیم و متوجه مصیبتی که به ما رسیده نشده ایم.»

او هم مثل بقیه ایرانیان پیام صلح‌خواهی ترامپ را شنیده، اما معتقد است صلح و دوستی بین ما و آنها امکان‌پذیر نیست: «اگر بین فرشته و شیطان می‌تواند صلحی باشد، بین ما و آمریکایی‌ها هم صلح برقرار می‌شود. اگر بین امیرالمومنین و معاویه صلح برقرار شد، اینجا هم می‌شود. بعد از آن سیلی کوچک و پشیمانی آنها شاید آتش بسی بشود، اما صلح هرگز... اگر صلح با شیطان امکان‌پذیر بود، امیرالمومنین با معاویه صلح می‌کرد، جهان غرب امروز، دنیاى معاویه دیروز است و هیچ‌گاه نباید به آنها اعتماد کرد. آنها خبر ما را نمی‌خواهند، در طول این ۱۴۰۰ سال نخواست‌اند. آنها برای همیشه دشمن شیعه امیرالمومنین هستند و از زنده شدن اسلام شیعی هم به شدت هراس دارند.» این بانوی خانه دار پیامی هم برای زنان ایرانی دارد و می‌گوید باید فرزندانمان را طوری تربیت کنیم که فردای قیامت شرمنده حاج قاسم نشویم.

### اگر حاج قاسم نبود دشمنان ما را می‌خوردند

دولا دولا راه می‌رود و چادر رنگی تیره‌اش را به کمر بسته. از من می‌خواهد برایش یک صندلی بیاورم. در مهدیه هستیم. برایش دو تا صندلی می‌آورم؛ یک صندلی معمولی و یک صندلی برای نماز با همان لهجه غلیظ کرمانی مرتب دعایم می‌کند. فکر می‌کنم شاید بتواند درباره حاج قاسم صحبت کند، حتما می‌تواند وگرنه برای چه آمده اینجا؟ هنوز پرسش‌م درباره سردار تمام نشده، حرف‌های او شروع می‌شود: «حاج قاسم هرچه داشت و نداشت در راه خداداد. خودش را از همه پایین‌تر می‌گرفت، خودش را از همه شهدا پایین‌تر می‌گرفت، اما خیلی خوب بود، دست راست و قلب ما بود. اگر نبود نمی‌توانستیم برویم سوریه، کربلا، مکه و حتی مشهد، داعشی‌ها همه ما را می‌خوردند. الان بی‌پشت و پناه شدیم، حالا چه کنیم؟ ما که تقسم گرفت بس که برایش اشک ریختم، پارسل همین موقع گفته بود امسال دیگر نیست.»

این بانوی سال‌خورده و ۷۰ ساله گلپای‌هم حکایت انتقامگیری بچه‌های سپاه را شنیده و می‌گوید: امیدوارم عمر آمریکایی‌ها به هفتم سردار هم نرسد، اما شاء... آمریکا نابود شود و می‌شود به حکم امام زمان (ع). بی‌بی صغری حسینی، خانه و زندگی درست و درمانی ندارد. می‌گوید پاتوقش ه‌رشب جمعه تا صبح جمعه و بعد از دعای ندبه همین گلزار شهداست. شوهرش فوت شده و خانه ندارد، یک اتاقک اجاره‌ای در شهرک صنعتی کرمان دارد که اجاره‌اش را خیران و هرکسی که بتواند جور می‌کند، یک جوهرایی اصلا زندگی ندارد. با این همه وقتی می‌پرسم از شرایط سخت زندگی خودش و اقتصادی کشور گلایه ندارد، با صلابت می‌گوید: ایپاردی ندارد، ناراحت نیستم، خدا نگهدار همه پاسدارها و ارششی‌های ما باشد. اگر نبودند نمی‌توانستیم توی خیابان‌ها تکان بخوریم، دشمنان ما را می‌خوردند.

طراح:بیژن گورانی

### جدول شماره ۵۵۷۲

### جدول عادی

**افقی:**۱) شالوده- خوراکی از آرد گندم و خاک قند- مطالب نشریه زیر نظر او تهیه و تنظیم می‌شود ۲) تماشایی- ورزش برفی- غذایی از گوشت چرخ کرده آرد نخودچی ۳) رنگ سیاه- سازی بادی- خدانشناس ۴) ملاکزیوم- قبل از ورزش- نامفهوم و مبهم ۵) گل شقایق- شاعر ایرانی قرن ششم ۶) مقابل رفت- فهمیده- کوهی در ترکیه ۷) لوله دودکش - مربوط - نشانه صفت تفصیلی ۸) اعضای داخلی بدن- برافروخته- لشکر مخلص خداست ۹) تکرار حرفی- ایالتی در آمریکا- ساکنان محله ۱۰) درگاه - از القاب اشرافی زنان اروپا- نشاط ۱۱) داغ داغ- آشکار ۱۲) سمبل اسارت- مادر حضرت محمد(ص)- از دوازدهم تابست دوم ۱۳) شهری در آذربایجان غربی- رستنی- آرزو ۱۴) پیامبر صبور- پنجمین ماه سریانی- خباز ۱۵) احساس درد در ناحیه شکم- اهانت- اراده.

**عمودی:**۱) رسوم - پایتخت کانادا-

ماهی استخوانی خلیج فارس ۲) میلی لیتر- شوم و نامبارک- ورقه فلزی بسیار نازک ۳) در کنار هم- دوربین نجومی ۴) یخ زیر نودان- چاهک کف حوض- رنگ پیراهن زنانه ۱۴) سمت راست- رهبر قوم هون- فلز ماز دماسنج ۱۵) طوقه چرخ خودرو- برتری دادن- پسر گودرز در شاهنامه.

### جدول ویژه

**افقی:**۱) همه را شامل می‌شود- آهنگساز آلمانی قرن نوزدهم- موجب آرامش خاطر ۲) شاگرد مغازه- دوست-

همسر فرعون- ساز چوپان ۱۲) جلگه- زن ساکن صومعه- کد خدا ۱۳) نوعی لباس برای جلوگیری از نفوذ باد- نوعی پیراهن زنانه ۱۴) پاره‌ه طرفی برای قوم هون- فلز ماز دماسنج ۱۵) طوقه چرخ خودرو- برتری دادن- پسر گودرز در شاهنامه.

چرخ نخ ریسی ۱۳) بصل- کلاه درویش- نام دیگر سوره اخلاص ۱۴) آرامش- داخل - فرمان ۵) شیطان - سردار پاک کردن زخم- نام خداوند در دین یهود- سازمان تهیه‌کاری چین ۱۷) از پیامبران بنی اسرائیل- سوره صد و نهم قرآن- حرف محرمانه ۱۸) توهین آمیز- از القاب اشرافی اروپا- نیروی یاری‌رسان ۹) آتش- کنایه از مدرک جرم است- جانور، ۱۰) مارواه النهر- نایب السلطنه- عمارت ۱۱) کاشته شده- دیده‌ها در

### حل جدول ویژه شماره ۵۵۷۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ش	ر	ا	ع	ط	ح	ا	ن	ا	ی	ت	و	ک	
۲	ف	ی	و	د	ا	ل	د	ل	ی	ا	د	ش	د	ش
۳	ت	و	ن	ا	ف	ع	ب	م	ب	ک	ج	ن		
۴	م	ل	ا	س	ک	ب	ی	ا	ل	د	ا			
۵	ی	ک	ا	ن	و	ر	ی	ا	ض	ا				
۶	ک	ر	ا	ر	ت	و	ا	ب	ل					
۷	م	ش	ب	د	ر	ا	د	ا	و	ا				
۸	ج	ا	ر	ن	ب	ه	خ	ا	ک	ی	ت	و	ا	
۹	ی	ا	د	ا	ج	ر	ی	م	س	و	ی	ک		
۱۰	ن	و	ر	ی	ا	ن	و	ا	ب	ل				
۱۱	ل	ی	ا	ز	ا	ن	ش	ه	د	ت	ی	و		
۱۲	ن	ه	ا	ل	ف	ت	ا	ن	ش	ی	ا	س		
۱۳	ک	ت	ی	م	ا	ی	م	ی	ا	س	ک	ه		
۱۴	ت	ر	م	و	س	ت	ا	م	ا	ی	و	ن		
۱۵	ه	ز	ی	م	ت	م	ا	ب	د	ا	ی	ز		

### حل جدول عادی شماره ۵۵۷۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ن	ا	م	ا	ز	ا	ز	ا	م	ا	ن			
۲	م	ی	ن	م	ت	و	ر	ب	و	ت	ر	ن		
۳	ک	ا	ش	ی	ز	ا	ق	ی	ر	ا	ک			
۴	ک	ا	م	و	ج	ا	ج	ب	ت	ع	د	ی		
۵	ت	ا	ر	د	ی	م	ک	ی	و	ی				
۶	ک	ر	ن	ا	ت	ا	ت	ا	ش	ن	و	ا		
۷	ا	ف	ر	ا	ش	ی	ی	ب	ک	ی	ن			
۸	ا	ب	ا	ر	ج	ن	ک	ل	ی	ل	و	ی	ز	ا
۹	و	ج	ب	ن	ج	ا	ن	ق	ل	م	ی	ف		
۱۰	ا	ر	ج	ا	م	ع	ی	ا	ت	ا				
۱۱	ب	ن	ا	س	ک	و	ا	س	ا	ن	ی	ل		
۱۲	ر	ب	ا	و	ر	ی	ز	ش						
۱۳	ی	م	ل	ب	ی	ت	ف	ر	ش	ا	ی	ل		
۱۴	د	ق	ی	ق	ه	ن	و	د	ا	ن	ب	ی	ا	
۱۵	ن	م	د	ا	ر	ک	ن	د	و	ک	و	ف		